

پایان شب تاریخ

جایگاه مهدویت در تاریخ شیعه

ابوذر بهاروند^۱

۱- تاریخ بستر تکامل جوامع انسانی

«والنهار اذا جلاها». در تفسیر نقل گردیده که منظور از روز در این آیه شخص حضرت حجت (عج) است. پس تاریخ نیز، شبی دارد دوروزی! انسان، همواره در تحلیل از آینده خود، نیم‌نگاهی به گذشته داشته است. او در دامنه‌ی این تفکرات به ثبت و تحلیل وقایع آن، نقاط عطف تاریخ و شاخصه‌های اثر گذار در آن پرداخته است و فلاسفه در اصلی‌ترین وجه آن، فلسفه‌ی تاریخ را پایه‌گذاری نموده‌اند تا هدف تاریخ، مکانیزم و مدل حاکم بر حرکت تاریخ و صراط تاریخ در سیر گذشته و حال و آینده‌ی آن را رصد نمایند. به نظر می‌رسد که گفته‌های برخی غرب‌گرایان و پرداختن به موضوعاتی به عنوان اساس حرکت در تاریخ، مانند شرایط آب و هوا، قهرمان‌گرایی، غرایز جنسی، عشق‌ها و نژادها و ... نمی‌تواند آنچه که مطلوب ماست را تبیین نماید و ترسیمی دقیق از تاریخ و غایت آن بر ما بنمایاند. در ادیان الهی نیز از اساسی‌ترین بحث‌های تکاملی، بحث از مسیر تطورات تاریخی است. البته بنا به فراخور ازمنه‌ای که دین در آن متولد می‌شده است به این بحث می‌پرداخته‌اند، از این روست که هیچ دینی را نمی‌توان یافت که آینده‌ی جهان و امان آن را در غایت و نهایت اعلام نکرده باشد؛ مسیحا، فارقلیط، سوشیانت و غیره همه بر آن غایبی نهایی حکایت دارند.

اسلام مانند ادیان ماقبل، وعده داده است که «او خواهد آمد» و او که تمام‌کننده‌ی سیر هبوطی بشر بوده، عروج تاریخ را رقم خواهد زد. مهدویت در اسلام و خصوصا در مذهب مرفقی تشیع، بستر جامعه‌سازی و فردسازی خاصی گردید و محکی محکم و قابل اعتماد در بررسی وقایع امروزی گردید که مسیر آینده‌ی جریانات سیاسی شیعی را مشخص می‌نماید.

۱/۱- ارائه‌ی فلسفه‌ی تاریخی بر مبنای دینی

در بیانی دیگر، این مبحث صرفا کلامی و ذهنی نبوده و روح زندگی و فکر و عین مردم را در بر گرفته و معنای هستی و غایت امال زیستی آنان شده است و فلسفه‌ی بودن تاریخ و صیوروت اجتماعی آدمیان، جز او نیست؛ الا باطل و مضل. لذاست که فلسفه‌ی تاریخ و پرداختن به چیستی و چگونگی تاریخ و اصول حاکم بر آن بدون لحاظ مهدویت و عصر مشعش حضورش ناقص است. بنابراین ما به فلسفه‌ی تاریخی با مبنایی مستحکم بر پایه‌ی دین و با صبغه‌ی مهدوی نیازمندیم. به نظر می‌رسد بر این مبنا بتوان تاریخ را به دو دوران بسیار مهم تقسیم نمود:

از هبوط حضرت آدم (صلوات الله علیه) تا ظهور حضرت ولی عصر (روحی فداء) - دوران هبوط و شب تاریخ
از ظهور حضرت ولی عصر (روحی فداء) تا پایان تاریخ - دوران عروج و روز تاریخ
نکته قابل توجه دیگر آن که فلسفه‌ی تاریخ از دیدگاه ادیان ابراهیمی را می‌توان دارای چند ویژگی دانست:

۱. مخلوق بودن هستی توسط ذات احدیت و مربی بودن او برای همه‌ی خلایق را که «معطی کل شیء و هادی کل شیء» اوست.
۲. از باب شاکر و کفور بودن، در راه هدایت، خواه همراه حق و خواه همراه باطل، به هر طریق اختیار و اجازة‌ی حرکت به انسان داده شده است.

۳. دو جبهه حق و باطل به شدت میل به سمت توسعه‌ی کمی و کیفی خود داشته و در این راه به سمت ایجاد سازوکارهایی دقیق تر جهت به دست آمدن سهم بیشتر در تلاشند. تا بتوانند با نظام‌سازی‌های هر چه کارآمدتر گوی سبقت از رقیب دیرینه برپایند. پرچمدار در نظام مؤمنین، انبیاء و صراط منیر، خط امامت است؛ در حالیکه در نظام کفر، طواغیت و شیطان، محورند. این دو رویکرد، دو جریان تاریخی است که در همه‌ی زمان‌ها حیات داشته‌اند. نتیجه‌ی درگیری این دو نظام، رشد مستمر و مکرر درجه انبیاء و اولیاء الهی، علما و مؤمنین و نجات بقیه‌ی مسلمین است. این مطلب در این زمانه با تغییرات وسیع و دامنه‌داری که به خصوص در کشورهای عربی، با عنوان بیداری اسلامی شکل گرفته، ظهور بیشتری پیدا نموده است. البته در هر دوره‌ی تاریخ، سه نظام «مومنانه»، منافقانه و ملحدانه در کنار هم وجود داشته‌اند و تاریخ زندگی در دنیا بدون این سه مجموعه ممکن نیست. باید توجه داشت که بر پایه‌ی این تفکر، وجود بسترهای منفی در تاریخ برای اهل ایمان، موجب ابتلاء و به دنبال آن سبب رشد و تکامل جامعه مؤمنین گردیده است. هر اثر منفی و منحرفی که در تاریخ شکل می‌گرفته باعث می‌گردید به شدت مؤمنین در دفاع از حق مصرانه‌تر ظاهر گردیده و می‌جاهدانه به سمت حق و حقیقت میل پیدا نمایند و همین ایجاد بستر رشدی است که راه رسیدن به آن از مجرای تقابل ناپجای منافقانه و ملحدانه ایجاد گردیده و سود نهایی آن به جامعه‌ی ایمانی می‌رسد.

۱/۱/۱- حسن و عقل خودبنیاد بازیگر اصلی در شب تاریخ

از ابتدای تحولات تاریخی با شرایطی روبرو هستیم که در آن همه‌ی تقابل‌ها در میدان حسن شکل گرفته و دو جاذبه‌ی قوی حق و باطل بر سر به دست آوردن جایگاه بهتر به سمتی از توسعه میل پیدا می‌نموده‌اند تا بازیگر نقشی جدی‌تر در وادی حسی باشند. در این دوره‌ی تاریخ، هم امتحانات و هم معجزات، حسی است. یعنی دو جناح متقابل در این برهه‌ی طولانی از تاریخ، رهروان خود را با سمت و سوی حسن مدارانه بواسطه‌ی درک و شعور جمعی آن زمانه داعی بوده‌اند؛ مردمی که بت‌ها و خدایان خود را با دست‌های خویش می‌ساخته‌اند؛ خدایانی که گاهی با سنگ و خاک و حتی گاهی با ماکولات و مشروبات متجسد می‌شده‌اند. این گونه بود که بشر خداساز! گاهی در تضاد بین حس پرستش و حس گرسنگی خود، مغلوب حس محسوس‌تر می‌شده است. شاید دقت در این احوالات سبب توجیه آمد و رفت هزاران نبی و رسول عظیم‌الشان باشد. چرا که این همه ضلالت را به راحتی نمی‌شد تغییر اساسی داد.

نه صرفاً انسان‌ها را بلکه جمادات را نیز در زمینی با خصوصیات و ویژگی‌های آرمانی بواسطه ورود به فضای ولایت تجربه خواهد کرد. پر واضح است که سیر تکامل افراد و جوامع، به شدت پذیرش ایشان از ولایت الله گره خورده و هر چه به این ریسمان و حصن حصین بیشتر تمسک شود، درهای غیب و شهود نیز در دسترس تر و هویداتر خواهند بود.

آنگاه است که ابواب الهی و معرفت به آن، جان‌های شفیفته را در سیر سریع به کمال مطلق عالی اعلی، رهنمون خواهد بود و اشتیاق جمعی خود مویدی خواهد بود برای سرعت بیشتر در نیل به آرمانی شدن جامعه و افراد آن زمان.

۲/۲- انسان عصر ظهور همان آرمان نسل اولیاء

تقابل آنچه تاریخ را در این سیر کشدار و پر دامنه رقم زده ختم به پایان درگیری و ایجاد جامعه‌ای با غلبه‌ی امت الهی خواهد شد. در جبهه حق چنان قوتی ایجاد خواهد گردید که جریان باطل در سراسر ارض به اضمحلال جدی دچار شده و جامعه‌ی موعود شکل خواهد گرفت. حال این جامعه‌ی آرمانی چگونه خواهد بود؟! بعد از این همه، تلاش و کوشش انبیاء و رسولان الهی نتیجه‌ی غایی چیست؟! مدینه فاضله‌ای که از آن تعاریف گوناگون ارائه گردیده است چه مظاهر و مناصب دارد؟! و سئوال‌ات جدی دیگری که در باب جامعه‌ی آخرالزمانی و بر محور ایمان مردمانی مومن، به جواب آن‌ها باید رسید.

آنچه واضح است جامعه موعود بستری است که انسان آن، موجود دیگری است و آرمان‌ها و اراده‌ی او با کسانی که در جامعه‌ی باطل زندگی می‌کرده‌اند، متفاوت است. جدای از انسان‌ها حتی تعاریف هم تغییر می‌کنند؛ یعنی انسان گرچه ممکن است دنبال لذت باشد ولی این لذت چیزی جز لذت عبودیت نخواهد بود. هر چه لذت می‌جوید در قرب است و کرنش در آستان دوست و ذکر و التجاء و تواضع، رضاسنت و عبودیت و بندگی و غرقه‌شدن تمامی شئون زندگی در نعمات معنوی و مادی حضرت دوست که همه‌ی لذایذ دلپذیر مشعوف‌ساز از اوست.

جامعه‌ی عصر ظهور آزادترین جوامع خواهد بود که از همه‌ی تعلقات و تفکرات مبتذل خلاصی یافته و مشغول به حقایق مترقی و سازنده‌ی جبروت الهی است. عبادت این جامعه تجارت نیست که از پی طلب مادی یا میل به بهیشت باشد، بلکه تعبدی خالصانه و نافذ است که در اعماق جان عالمیان جای گرفته و عوالم را به ستایش و خواهد داشت.

در این عصر است که خلاقیت، نواخت دلنشین آهنگی را خواهند شنید که سراینده‌ی آن نه در پی جلالی پوشالی بل در طلب جانی جاودانه است که از لیت و ابدیت را معنایی اتم بخشد. چه دلنشین است این آهنگ در محضر ولی مطلق الهی! و چه با شکوه خواهد بود زیستن در زمانی که اوج جریان ولایت در بسترهای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی است.

آن جاست و آن گاه است که سنگ محک ارتباطات بشری نور است و اله ایمانی و عصمت جاودانی؛ در این زمانه جامعه در چنان بستر پاک نفس می‌کند که گویی هیچ وقت آن همه سیاهی در این کره‌ی خاکی اتفاق نیفتاده است. بنابراین، انسان و اسپین، انسان تربیت شده‌ی انبیاء است و حیات اجتماعی، مظهر ولایت ولی خدا است و نور عبودیت و پرستش خداوند متعال در همه‌ی عرصه‌هایش جاری است.

۲/۳- تکامل نظام نیاز و ارضاء در جامعه‌ی آخرالزمان

بی‌شک در عصر نهایی دنیا، نیازهای جوامع بواسطه تغییرات

لذاست که در این مقطع شرایط به گونه‌ایست که عصای پیامبری به ازدها تبدیل شده تا مردم متنبه شوند و دست پیامبری دیگر، کور مادرزاد را شفا می‌بخشیده تا کوری درونی دیگران نیز التیام یافته و گرایش به حق اتفاق می‌افتاده است. به هر حال بشر در این عصر این گونه بوده است و درگیری حق و باطل به صورتی متناسب با ویژگی‌های همان زمان با شدت و حدت ادامه یافته است.

البته در ادامه با رشد درگیری بین حق و باطل، آنچه رخ می‌نمایاند دگرگونی و پوست‌اندازی در سنگ محک‌های عمده‌ی جوامع از حس به عقل است که در این راستا معجزه‌ی خاتم، قرآنی است که رابطه و پیوند آن با حس کم‌رنگ‌تر از سایر معجزات پیامبران پیشین است که اغلب در فضایی صرفاً قابل لمس به منصفه ظهور می‌رسید. در این راستا آنچه در تعاریف زیرکانه‌ی طواغیت انسی و جنی بر آن تاکید می‌گردد، روشنی و وضوح پرستش ماده را در خود ندارد و مدام دم از تکاملی زده می‌شود که تکیه‌گاه تعقل بشر را عقل خودبند و بریده از ماوراء می‌داند.

و این گونه است که به دنبال نگاشتن قوانین حقوق بشری و برنامه‌ریزی چندین ساحتی برای سازمان‌های عریض و طویلی جهانی شکل می‌گیرد تا به مثابه خدایگان اجتماعی برقرار کننده‌ی نظم نوینی غیرالهی باشند و سایر مردم نیز به کمک تعقل خود نه وحی را که همین تفکر مدرن بت‌پرستی را با خاضعانه‌ترین وضع ممکن، خاکسار باشند.

در این مرحله از تاریخ غلبه به صورت نفاق گونه‌ای با ولات ظلم و جور است که به همین امر و در عصر غیبت ولی الله اعظم آنچنان تقابلی ژرف صورت می‌پذیرد که فهم دقیق از آنچه هست و آنچه می‌بایست باشد، در حجاب‌هایی سخت و چند لایه محبوب واقع گردیده که خرق این حجب و کشف علوم آن از ابتلائات جدی این دوره است.

۱/۱۲- روح و شهود ویژگی روز مشعشع تاریخ

اما روز تاریخ فرا خواهد رسید؛ عظیم‌ترین و پر اعجاب‌ترین دوران عمر بشر که بهجت شعفا نگیز برای مومنین را داراست، عصر ظهور خواهد بود. جایی که شهود و روح است و ابتلائات تکاملی تاریخ و زعامت صالحان بر زمان و زمین. هنگامی که تمامی تیره‌های ترکش ابلیس و جنودش از کمان رها گردیده و ظرفیت ایجاد ظلم و جورش در همه‌ی عالم به اتمام برسد، این پایان آغازی خواهد بود بر دوران ظهور، زمانه‌ای که در آن ولایت الهیه بر دنیا مستولی شده و غلبه با ولات ایمانی خواهد بود. اینجاست که تاریخ در اوج عزت مومنین به پایان خواهد رسید.

ذکر این نکته خالی از لطف نیست که باید دقت داشت این برهه‌ی تاریخی، برخلاف تصویری که در اکثر اذهان هست دوران کوتاهی نخواهد بود و آنچه از فرموده بزرگان برمی آید باتوجه به رجعت و سایر قضایا دورانی بس طولانی است. عمده‌ی بحث را در این قسمت ارائه خواهیم داد که شاید بیانگر گوشه‌هایی از این عظمت تاریخی باشیم.

۲- عصر ظهور و ویژگی‌های آن

۲/۱- غلبه‌ی پذیرش ولایت معصومین (علیهم السلام)

یکی از ویژگی‌های ممتاز عصر ظهور پذیرش ولایت از سوی انسان‌هاست. یعنی جامعه‌ی بشری به حدی از رشد و درک روحی و معنوی در اثر مجاهدت‌های عظیم اولیاء الهی نایل می‌گردد که ملک عظیم ولایی در محور قرار دادن ائمه برای نیل به سعادت تشکیل خواهد گردید.

عالم دنیا دگرگونی عظیمی را در تمامی وجوه خود شاهد بوده که



دو نگاه

هنگامی که تمامی

تیره‌های ترکش ابلیس

و جنودش از کمان

رها گردیده و ظرفیت

ایجاد ظلم و جورش

در همه‌ی عالم به اتمام

برسد، این پایان، آغازی

خواهد بود بر دوران

ظهور، زمانه‌ای که در

آن ولایت الهیه بر دنیا

مستولی شده و غلبه با

ولایت ایمانی خواهد

بود. اینجاست که تاریخ

در اوج عزت مومنین به

پایان خواهد رسید

در اثر این رشد و اعطای صورت پذیرفته نعمت‌های فراوانی از خدا که تا به حال دیده نمی‌شد هویدا می‌گردد؛ نعمت‌هایی بسیار بیشتر از آن چه که در دنیا تاکنون حس شده‌است. لذاست که این دنیا نه صرفاً دار مبتلای به بلاست که صالحون در این دنیا نیز مزد پافشاری بر حق و مدد و نصرت خدای را خواهند دید و خواهند چشید. ارتقای ظرفیت ایجاد شده، بستری را فراهم می‌آورد تا در کسب معرفت و رحمت، درهای ارسال فیوضات چنان فراخ گردد که ارتزاق امروزی بشر در مقابل آن چنان معبری کم عرض جلوه می‌کند.

۲/۵ تهذیب روابط و مناسبات اجتماعی

نکته ظریف و قابل توجهی که باید بر آن دقت مضاعفی داشت آن است که بواسطه‌ی رشد تعقلی که در این عصر به منصف ظهور می‌رسد، در روش‌ها نیز انقلابی اساسی صورت می‌پذیرد و نه تنها جامعه بلکه شیوه‌ها و منش‌های حاکم بر نظام‌های مختلف کشورداری و فرهنگ‌سازی، دچار تهذیب و نورانیت می‌شوند. شاید اکنون مقداری تصور این امر مشکل باشد ولی تکنولوژی آن زمان نیز بر اثر دخالت دین در آن، چنان تغییرات ماهوی خواهند داشت که حتی شنیده‌ایم که تصور دین جدیدی در اذهان شکل می‌گیرد. آیا تصور اینکه دین جدیدی آمده در تأثیر جدی دخالت دین در تمامی شئون زندگی بشر نخواهد بود؟!

در این عصر است که برای روابط و ارتباطات و مناسب عام مردم تعاریف جدیدی شکل می‌گیرد و در شعاع نورانی ولی خدا، تطهیر عالم به سرعت به وقوع می‌پیوندد و نیست هر آنچه مگر بسترش از جنس معنویت و سرچشمه‌اش پاکی است و راستی.

۲/۶- تعاریف جدید از زیباشناسی و عدالت

از عمیق‌ترین و کاربردی‌ترین مفاهیمی که با انتظار و مهدویت اجین شده و همه بدنبال آن هستند، مبحث عدالت است. این مفهوم در فضاهای اجتماعی الان به معانی درست خود تعریف نگشته و سبب شده که تلقی عموماً ناقصی در این مجموعه‌ها شکل گیرد و ما نیز براساس زیبایی‌شناسی خاصی که طبق معمول مادی می‌باشد، به تبیین و نقد آن پرداخته‌ایم.

اساس تمامی انتخاب‌ها و حرکت‌ها در این برهه و درک لذت تام از آن در مسیر جویان ولایت الهیه قرار گرفتن است. در عصر ظهور جامعه به دنبال عدلی خواهد رفت که در بستر فطرت او سازوکارهای آن شکل گرفته‌است. عدالت در این عصر براساس روابط کامل آن یعنی جاری کردن ولایت تام الهیه در تمامی شئون بشر اتفاق می‌افتد.

تنظیم تناسبات انسانی از ماده‌محوری به سوی عدالتی مهدوی خواهد بود. این برهه‌ی تاریخ است که در آن می‌توان با ترازویی عادل سره و ناسره را سنجید و به سویی حرکت نمود که در آن زیبایی‌شناسی انسان‌ها بتواند فضا‌سازی مناسبی را ایجاد نماید که نویدگر بروز تفکر مهدوی مدنظر در عنایت جامعه باشد.

از ساحت منور حضرتش خواستاریم که قلم عفو بر کاستی و سستی‌های ما کشیده و اجازه‌ی نفس در عصر مترقی و درخشان ظهور را بر ما اجازت فرماید که نیست کسی در آن عصر مگر آنکه به صورت مستقیم و نه در حجاب غیبت، بهره‌گیر از ذات عالم تاب حضرتش گردد. ■

پی‌نوشت:

۱- پژوهشگر فرهنگستان علوم اسلامی قم

۲- متذکر می‌گردد که متن فوق، برگرفته از بیانات استاد میرباقری می‌باشد.

جدی ایجاد شده بسیار متفاوت خواهد بود و همین نیز اثر خود را بر نعمت‌های الهی خواهد گذاشت. مثال روشن آن، تنعم بهشتی مومنین است که رشحاتی از آن در این دوره برای اهل بصیرت و صبر قابل انتفاع خواهد بود. شاید بتوان گفت فاصله‌ی تلذذ مومنین در این عصر به نسبت عصرهای دیگر چنان زیاد خواهد بود که می‌توان آن را با بهشت متصور در ذهن مردم برابر دانست. چه آنکه تصور از بهشت و خلود در آن برای ایشان میسر نیست و البته شاید تصور این عصر آرمانی را نیز نتوان در چنبره‌ی ذهن، گرفتار نمود و تماشا کرد.

به هر حال باید دانست که وعده‌ی ارث رسیدن زمین به مومنین حتمی است و کسانی که کج اندیشه‌ها سعی می‌کنند زرق و برق‌های دنیا را سد راه حداقل دنیای مومنین کنند شدیداً در اشتباهند که هر دو را مومن به بهره‌برداری خواهد نشست و نگون بخت شود هر که نیاندیشد و ایمان نیاورد.

شاید یکی از عمده‌ترین تفاوت‌های بین جوامع، خصوصاً در تمایزات جدی مانند ایمان و کفر، نیازمندی‌هاست. به تبع این تفاوت است که حول محوری واحد، نظامی از نیازها و ارضاهای شکل می‌گیرد که سازنده و دگرگون‌کننده‌ی جامعه خواهد بود. حال در نهایت تاریخ و به مدد ولی اعظم عصر در نظام نیازمندی‌های انسان و در محور تمایلات او توسعه‌ای در نیل به کمال، آشکارا نقش ایفا خواهد نمود و این توسعه سبب تداوم مستمر رشد عبودیت گردیده و مسیر سخت گذر بسوی پرورش دهنده را سهل و پر رها و می‌نماید که خود از نعمت خاصه‌ی خداوندی است.

۲/۴- تحصیلات عالی جامعه مومنین در کسب کمال عقل

طلوع پر تشعشع خورشید مهدوی، عقول انسان‌ها را به اعلاء درجه‌ای می‌رساند که در تفکر و تعمق روحی قدرت تصرف اعجاب‌آوری پیدا خواهند کرد. نفوذ به اعماق نعمت‌های خدایی و ارتقاء درجه فهم، سبب تنعم بیشتر و لذت جدی‌تر و کشف و شهودهای عمیق‌تری خواهد گردید.

باید دقت داشت که تمدن و علم بر روی هم تأثیرات مستقیمی دارند و اگر جامعه‌ای از علم سرشار گشت، اثر خود را در چگونگی زیستن خواهد گذاشت و همچنین اگر نگرش جامعه‌ای و جهان‌بینی آن تغییرات اساسی نماید، به ناچار اثر مستقیم خود را بر روی تولیدات علمی آن مجموعه خواهد نهاد.

لذا جامعه‌ی عصر ظهور در تلاطم بحر عظیمی از علم غوطه‌ور خواهد گردید که صیدهای عظیم آن، هم در کم و هم در کیف اصلاً با گذشته‌ی دنیا قابل قیاس نخواهد بود، چنان‌که مؤید آن در سخنان بزرگان کم نیست. تاملی کوتاه در آنچه که تاکنون رخ نمایانده، تصور بر عصر موعود را سخت‌تر و در عین حال پرنشاط‌تر می‌کند. انسان و بهره‌ی مادی او از طبیعت برای نیل به پرستش تام الهی به جد در آن عصر چگونه رقم خواهد خورد؟ و چگونه می‌توان آن را به رشته‌ی تصورات ذهنی تبدیل نمود؟! شگفتا از این عصر و خوشا به حال درک‌کنندگان.

این گونه خواهد بود که قدرت انسان حتی باجمادات و سایر موجودات اطراف خود نیز بسیار بیشتر خواهد بود و توان تغییرات و تصرفات شگرف را در عالم به جوامع آخرالزمانی میسر خواهد نمود. این قدرت عظیم از آن روی بر جهان مستولی خواهد گردید که منبع نور دیگر در پس برده نیست و به صورت مستقیم از حضرتش متنعم می‌گردند. همین امر نوید می‌دهد که ظهور ولایت الهیه در تمامی ارکان و اجزاء زندگی بشر، تحولات دقیق و کارسازی را ایجاد خواهد کرد.

دو نگاه

جامعه‌ی عصر ظهور آزادترین جوامع خواهد بود که از همه‌ی تعلقات و تفکرات مبتذل خلاصی یافته و مشغول به حقایق مترقی و سازنده‌ی جبروت الهی است. عبادت این جامعه تجارت نیست که از پی طلب مادی یا میل به بهشت باشد، بلکه تعبیدی خالصانه و نافذ است که در اعماق جان عالمیان جای گرفته و عوالم را به ستایش و خواهد داشت